

## هشت فایل صوتی گفتگو بین سازمان مجاهدین خلق ایران و

### گروه منشعب از سازمان چریک های فدایی خلق ایران

(تهران - شهریور ۱۳۵۵)

در خرداد ۱۳۵۶، س م خ ا با گروهی که بعدها به نام گروه تورج بیگوند معروف شد و به انتقاد از مواضع و مشی سازمان چریک های فدائی خلق ایران پرداخته و عملاً از آن انشعاب کرده بود تماس گرفت، بدون آنکه از مواضع سیاسی این گروه اطلاع همه جانبه ای داشته باشد. سرانجام در یک کارگاه (خانه تکنیکی) متعلق به سازمان مجاهدین خلق گفتگویی انجام شد که به نظر ما جدی و پخته و غنی ست. «خانه تکنیکی» سازمان محل ساخت نارنجک دستی، ساخت مهمات برای تمرین نظامی، آزمایش برای طرح های ابتکاری جهت ساخت خمپاره و نیز محل تعمیر اسلحه بود. این کارگاه در محله قلعه مرغی و در زمین هایی که آنسوی خط آهن جنوب واقع شده بود قرار داشت. این زمین ها سابقاً مورد استفاده دامداران بوده اما به تدریج دامداران آغل ها را به کارگاه تبدیل کرده اجاره می دادند چرا که بیشتر به سودشان بود. سرو صدای نشست و برخاست هواپیما که در نوارها شنیده می شود از فرودگاه قلعه مرغی ست که این محله در نزدیکی آن قرار داشت. کارگاه دو اتاق داشته که هرکدام در عین راه داشتن به یکدیگر، دارای درهای ورودی مستقل بوده اند. دو طرف گفتگو از دو در جداگانه وارد شده اند. طرفین پشت پرده نشسته و یکدیگر را نمی دیده اند. رفیقی که در کارگاه بیشتر به عنوان تکنیسین کار می کرده مأمور بوده که دو مبارز فدائی را چشم بسته با موتور به محل گفتگو بیاورد. در این گفتگواز سوی س م خ ا، محمد تقی شهرام و از سوی گروه منشعب از س چ ف خ ا، احتمالاً، حسین قلمبر(سیامک) و یک عضو دیگر گروه شرکت داشته اند. به گفته رفیقی که در زمان گفتگو در خانه حضور داشته، پس از حدود سه ساعت از آغاز گفتگو، در یک آنراکت، شهرام از اتاق بیرون آمده به من گفت «بابا اینها توده ای اند!»

باید گفت که تورج حیدری بیگوند در سال ۱۳۳۲ در روستایی در حوالی سنقر کلیایی بدینا آمد، در سال ۱۳۵۱ به دانشگاه صنعتی در تهران راه یافت و در سال ۱۳۵۳ به سازمان چریک های فدایی خلق پیوست. در اواسط سال ۱۳۵۴ شروع به انتقاد از مشی مبارزه مسلحانه و بویژه کتاب، " مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک" اثر رفیق مسعود احمد زاده پرداخت که در متن گفتگو در نوار هم بارها به آن اشاره می شود. در این زمان س چ ف خ ا، وی را برای مطالعه بیشتر به یک

خانه جداگانه، خارج از روابط مستمر سازمانی، فرستاد و دو نفر رابط برایش تعیین کرد. وی با بحث و گفتگو، دو عضو رابط تشکیلات و یک عضو نگهبان خانه را نیز با خود همراه کرد. [یکی از اعضای رابط "حسین قلمبر" بود.] او در این فاصله، کتاب خود را در نقد مثنی مبارزه مسلحانه نوشت. وی کتاب را با نام "تئوری «تبلیغ مسلحانه» انحراف از مارکسیسم - لنینیسم" در اردیبهشت ۱۳۵۵، به اتمام رساند. تورج بیگوند در ۱۲ مهرماه ۱۳۵۵ بر سر یک قرار تشکیلاتی لو رفت و به شهادت رسید. یک ماه بعد در آبان ماه ۱۳۵۵، گروه وی انشعاب را اعلام کرد و کمی بعد پیوستن به سازمان نوید (وابسته به حزب توده ایران) را اعلام نمود. این اعلامیه در ۴۶ صفحه در آبان ماه سال ۱۳۵۶ انتشار بیرونی یافت. کتاب وی نیز توسط سازمان نوید و حزب توده منتشر شد. تا آنجا که می دانیم، از سوی سازمان چریک های فدایی خلق ایران هیچگاه جوابی سیاسی یا تشکیلاتی یا تئوریک به این کتاب و مواضع انشعاییون داده نشده است.

حسین قلمبر متولد ۱۳۳۱ اهواز، در سال ۱۳۵۱ به دانشگاه صنعتی در تهران وارد شد و در سال ۱۳۵۳ به س. چ. ف. خ. ا. پیوست. در سال ۱۳۵۵ به همراه عده ای دیگر از این سازمان انشعاب کرد و کمی بعد به سازمان نوید پیوست. پس از انقلاب همراه با برخی دیگر از اعضای حزب توده دستگیر و در تابستان ۱۳۶۷ اعدام شد. اضافه می کنیم که از گروه منشعب یک بیانیه اعلام موجودیت منتشر شده و یک بیانیه اعلام پایان گروه و پیوستن به سازمان نوید. بنا به آنچه از یکی از اعضای سابق گروه شنیده ایم شمار اعضای آن به ۱۲ می رسیده است. اعضای گروه منشعب از س چ ف خ ا با اینکه مثنی مسلحانه را کنار گذارده بودند، همچنان برای دفاع، مسلح بودند.

سازمان چریک های فدایی خلق ایران با این گروه منشعب ارتباط خود را حفظ کرد به طوری که دور دوم گفتگوها بین رهبری مجاهدین و فدائیان که بعدها صورت گرفت، توسط همین گروه منشعب از س چ ف خ ا، برقرار شد. در گفتگوی دوم بین دو سازمان، دو رفیق از س چ ف خ ا، و از سوی س م خ ا محمد جواد قاندى و مسعود فیروزکوهی حضور داشتند.

در پایان، برای آنکه جو امنیتی آن روزها را یادآوری کنیم و میزان جسارت و صداقت مبارزان آن زمان، بهتر آشکار شود این نکته را می افزاییم که چندی پس از این گفتگوها در یک خانه تیمی که در آن دو عضو مجاهدین: شهرام محمدیان باجگیران (جواد) و رفیقی دیگر بسر می بردند ناخواسته نارنجکی منفجر می شود. جواد ناگزیر با رها کردن اسناد شخصی و سازمانی که داشته اند از خانه فرار می کند و به رفیقش که در کارخانه ای کار می کرده این حادثه ناگوار را خبر می دهد. از آنجا که نسخه ای از نوار این گفتگوها (که در زیر ملاحظه می کنید) در خانه مزبور وجود داشته، و احتمال این بوده که پلیس با توجه به صدای هواپیما و صداهای حاشیه ای در نوار، خانه تکنیکی را کشف کند، سازمان دستور تخلیه خانه را می دهد و از این طریق، طبعاً امکانات مهمی از دست می رود. در پی این حادثه، سازمان هر دو رفیق را تنبیه تشکیلاتی می کند و اسلحه سازمانی هر دو را برای مدتی کوتاه از آنها می گیرد. هر دو نفر در مراحل بعدی مبارزاتی، از مسؤلین سازمان پیکار شدند. شهرام محمدیان باجگیران در اوایل تابستان سال ۱۳۶۲ در حالی که در جریان گفتگو برای پیوستن به اتحاد مبارزان کمونیست (سهند) بود دستگیر شد و در تابستان

۱۳۶۴ به اتهام عضویت در سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اعدام گردید. یاد او و دیگر مبارزان دلیر آن سالها گرامی باد.

از طرف جمع تنظیم و انتشار آرشیو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تراب حق شناس

۱۸ آوریل ۲۰۱۱

منابع:

۱- رحمان هاتقی، مقدمه کتاب تورج حیدری بیگوند، انتشارات سازمان نوید، ۱۳۵۶.

[http://www.rahetudeh.com/rahetude/mataleb/beigwand/html/elamiyeh\\_11.html](http://www.rahetudeh.com/rahetude/mataleb/beigwand/html/elamiyeh_11.html)

۲- ع. الهی، مشی مسلحانه جانفشانی بی حاصل یک نسل انقلابیون ایران، انتشار کتاب تورج حیدری بیگوند.

<http://www.rahetudeh.com/rahetude/mataleb/beigwand/html/aghaz-biegwand.html>

۳- روزگاری که آسان سپری نشد، بخش دوم از یادمانده های علی خدائی.

<http://www.rahetudeh.com/rahetude/mataleb/nagofteha/html/nagofteha-۲.html>

۴- نوار گفتگو بین مسئولین سازمان مجاهدین خلق ایران و گروه منشعبین سازمان چریک های فدایی خلق ایران، شهریور ۱۳۵۵، انتشار در سایت اندیشه و پیکار، فروردین ۱۳۹۰.

\* \* \* \* \*

### **پوزش و تصحیح دو نکته مهم در باره هشت فایل صوتی:**

۱- تاریخ گفتگو نه شهریور ۱۳۵۵، بلکه خرداد ۱۳۵۶ است.

۲- از طرف گروه منشعب از سازمان چریکهای فدایی خلق نه تورج بیگوند که در ۱۲ مهر ۵۵ شهید شده بوده، بلکه احتمالاً حسین قلمبر و عضوی دیگر از این گروه شرکت داشته اند.

این تصحیح لازم وامدار رفیق ب. از سازمان راه کارگر (کمیتة مرکزی) است که تمام هشت فایل را با دقتی شایسته گوش کرده بود و دو نکته فوق را به ما یادآوری نمود و تحقیق بعدی ما آن را تأیید کرد. با سپاس از ایشان. ۸ مه ۲۰۰۹ ت. ح.

فایل ۱- بحث را نماینده گروه منشعب از سازمان فدائی شروع می کند و تا آخر هموست که ادامه می دهد به استثنای نکاتی که شهرام در وسط بحث به آنها اشاره می کند. تحلیل اوضاع سیاسی و خفقان، نقش خرده بورژوازی و روشنفکران، مشی مسلحانه از سیاهکل به بعد، پایه های تئوریک مشی مسلحانه و نقاط ضعف آن و... مورد بحث است.

فایل ۲- ادامه صحبت نماینده گروه منشعب: نقد نظرات پویان و احمد زاده و «بی ایمانی» آنها به طبقه کارگر. (نفر دوم احتمالاً قلمبر هم صحبت می کند). نقد نظر صفائی فراهانی و کم اهمیت دادن به دهقانان و اینکه رفقا (فدائیان) به پخش آثار مارکسیستی اهمیت نمی دهند و بیشتر در کتابها و اعلامیه ها به تحریک دست می زنند نه بسط آگاهی های مارکسیستی، و نیز این بحث که آیا ترور می تواند جای افشاگری را بگیرد؟ درک نادرست سازمان چ ف خ از انقلاب های چین و روسیه و کوبا و نیز از جنگ مسلحانه توده ای.

سؤال شهرام: اینها انتقادات شما بود. جنبه اثباتی بحث شما چیست و حالا باید چکار کرد؟ و... چه تحلیلی از نفوذ جنبش مسلحانه و قدرت و اعتلای آن دارید؟ چه عامل اجتماعی برای این امر وجود دارد؟ چرا نیروهای دیگر که مشی مسلحانه نداشتند به رغم تلاش هاشان نتوانستند سازمان های انقلابی حرفه ای به وجود آورند...؟ شهرام با طرح سؤالاتی، نظرات گروه منشعب را نقد می کند... ادامه بحث و استدلال نماینده گروه.

فایل ۳- شهرام است که بحث را ادامه می دهد و با پرسش هایی نظرات گروه بیگوند را نقد می کند و از جمله اشاره می کند که نشر آثار مارکسیستی که گروه مطرح می کند می تواند وظیفه یک محفل باشد اما نه وظیفه یک سازمان کمونیستی. شهرام، در واقع، به جای سازمان فدائی به نظرات گروه بیگوند پاسخ می دهد، با اشاره ای به نقدی که خود بر سازمان فدائی دارد...

فایل ۴- باز هم دفاع گروه بیگوند از ضرورت انتشار کتاب های عام مارکسیستی به عنوان وظیفه عمده ای که یک سازمان کمونیستی در ایران به عهده دارد و نقد شهرام به آن. بحث درباره نظرات احمدزاده و بردن آگاهی سیاسی بین طبقه کارگر... و نیز تفاوت بین نظرات احمدزاده و پویان...

فایل ۵- طبقات اجتماعی و نقش آنها در انقلاب و موضع نیروهای مارکسیستی در تحلیل آنها، موضوع رونق اقتصادی، خفقان، رکود جنبش انقلابی، نقش روشنفکران... جنبش انقلابی در اواخر سالهای ۱۳۴۰ در بین طبقات مختلف اجتماعی و بحران رژیم، تورم، کمبود کالا، وام ها و سخن عمومی از شکست برنامه های رژیم، بنای جنبش مسلحانه بر دوش این بینش که شرایط عینی انقلاب فراهم است... چرا در آغاز دهه ۵۰ به رغم شکست ها، بازهم جنبش مسلحانه کمر راست کرد؟ این به خاطر رشد جنبش توده ای بود. اما چرا اکنون چنین نیست؟...

فایل ۶- شهرام در آن زمان رکود جنبش انقلابی را تئوریزه می کرد که در اینجا دلایل اقتصادی آن را به نظر خود شرح می دهد (این تئوری در درون سازمان مجاهدین مخالفانی داشت و خود

شهرام هم آن را پس از مدتی پس گرفت). نماینده گروه بیگوند با این نظر مخالف است. شهرام با طرح «تأثیرات رونق اقتصادی روی طبقات مختلف جامعه از نظر بازپس راندن انقلاب» تئوری رکود را توجیه می کند و اضافه می کند که این تأثیرات روی طبقه کارگر هم دیده می شود. کار در صفوف طبقه کارگر و کارخانه، مبارزه مسلحانه در این وضعیت آری یا نه؟ نماینده گروه امکان انقلاب مسالمت آمیز را مانند آنچه در رژیم اتیوپی رخ داده تأیید می کند و به دنبال آن، شوروی را رژیم پرولتری و بر پایه دیکتاتوری پرولتاریا می داند و خود را به مواضع حزب توده نزدیک معرفی می کند.

فایل ۷- شهرام نظر خود را نسبت به حکومت شوروی به عنوان رژیم بورژوایی بیان می کند و اضافه می کند که این به معنای تأیید نظر چین نیست. «ما واژه مائوئیسم را هم بی معنا می دانیم». بیگوند مسأله انتقال قدرت مسالمت آمیز به پرولتاریا را قبول دارد و شهرام برعکس او. وقتی بیگوند از بورژوازی ملی صحبت می کند شهرام می گوید «بورژوازی ملی نداریم در ایران. یک دانه از این بورژوازی را نشان دهید که جزو اقمار انحصارات امپریالیستی نباشد. نشان دهید. او باید تبعیت کند... شعار "جمهوری ملی ضد امپریالیستی" که شما می گوئید یعنی گوشت دم توپ کردن کارگران برای آن که قدرت به بورژوازی سپرده شود». شهرام به تناقضاتی که در سخنان گروه بیگوند وجود دارد اشاره می کند.

فایل ۸- شهرام می گوید شعار «جمهوری ملی ضد امپریالیستی به رهبری طبقه کارگر» که شما مطرح می کنید مثال کوسه ریش پهن است. سپس بحث تئوریک و تجربه شوروی و نظرات لنین و دو برداشت که دو طرف گفتگو داشته اند مطرح می شود. بحث استراتژی واژگونی رژیم از طریق قهرآمیز و رهبری مبارزه، اتحاد نیروها، محمل عملی این طرح، اتحاد با جبهه ملی و نیز حزب توده و ... را به تفصیل مورد بحث قرار می دهند و نقاط اختلاف یا تناقض نشان داده می شود. شهرام می گوید حزب توده را نماینده بورژوازی لیبرال و عامل انحراف در جنبش کمونیستی می داند و اینکه امکان همکاری بین ما و آن وجود ندارد. از احتمال تماس سازمان چریک های فدائی خلق با حزب توده برای گرفتن امکاناتی تسلیحاتی نیز می پرسد که تکذیب نشده است... و اضافه می کند که در مخالفت با حزب توده باید همیشه توجه داشت که مخالفت از چه موضع طبقاتی صورت می گیرد...